تحلیل عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر، با نگاه عاملیت ـ ساختار

سارا مکی علمداری*، حمیدرضا جلایی‌پور**

مقدمه: *در موضوع مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر در شهر تهران، چگونه می‌توان دربارهٔ عاملیت و ساختار در فعالیت سمن‌ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد یا NGOها بحث کرد؟ چگونه می‌توان تأثیرگذاری سمن‌ها را در این حوزه افزایش داد؟ پاسخ به این دو سؤال هدف اصلی این مطالعه است.*

روش: *ابتدا منظومهٔ مفهومی سه جامعه‌شناس مطرح دربارهٔ عاملیت و ساختار توضیح داده شده، سپس به سؤالات مطالعه با راهبرد پژوهشی استقرایی و روش مطالعهٔ مصاحبه است.*

یافته‌ها: *مطالعهٔ حاضر، نقش و اثرگذاری سمن‌ها و منابع و سرمایه‌ای که در اختیار دارند و همچنین، موانع پیش روی فعالیت آن‌ها را به‌صورت دسته‌بندی‌شده ارائه کرده است.*

بحث: *براساس نتایج این تحقیق، برای تأثیرگذاری مؤثر سمن‌ها در مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر بر پیشنهادهایی همچون افزایش مشارکت مردم و انجام اقدامات فرهنگی در عرصهٔ پیشگیری و همچنین، پشتیبانی جدی ستاد مبارزه با مواد مخدر در راستای رفع موانعی همچون عدم نبود وحدت در حوزهٔ درمان، ناهماهنگی بین دستگاه‌های دولتی و حضور ستاد به‌مثابه عاملی تأثیرگذار در ایجاد همکاری مناسب میان دولت و NGOهای فعال، تأکید شده است.*

کلیدواژه‌ها: سمن‌ها، منظومهٔ مفهومی عاملیت ـ ساختار.

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۳

* کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. <sara.makki.alamdari@gmail.com> (نویسنده مسئول)

** دکتر جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.

• مقالهٔ حاضر برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد سارا مکی علمداری است که به راهنمایی حمیدرضا جلایی‌پور انجام شده است.

ستاد مبارزه با مواد مخدر، از این پس در این مقاله «ستاد» نامیده خواهد شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مقدمه

اعتیاد از مسائل اجتماعی مهم در اکثر جوامع و به‌ویژه در ایران است که افراد بسیاری در جامعهٔ ما با آن درگیر هستند. گفته می‌شود ایران با تعدادی بین ۱تا۴ میلیون معتاد روبه‌روست (مؤسسه تحقیقات اعتیاد دانشگاه علوم‌پزشکی تهران، ۱۳۸۵؛ دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴؛ ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۴ و ۳ تیر ۱۳۸۷؛ خبرگزاری فارس، ۱بهمن ۱۳۸۶). نه‌تنها خود مصرف‌کنندگان از پیامدهای جسمی و اجتماعی اعتیاد رنج می‌برند، بلکه خانواده‌های آن‌ها، دستگاه‌های دولتی مانند نیروی انتظامی، بهزیستی، قوهٔ قضائیه، زندان‌ها، ریاست‌جمهوری، ستاد مبارزه با مواد مخدر[1] نیز با مسئلهٔ اعتیاد درگیر بوده و هستند. باتوجه‌به منابع و شواهد موجود (سایت خبری‌تحلیلی فردانیوز، ۱۳۹۰؛ جمعیت احیای انسانی کنگرهٔ ۶۰، ۱۳۹۰؛ ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۹) می‌توان گفت پس از انقلاب، مبارزهٔ انتظامی و امنیتی و قضایی با تقدیم نزدیک به ۴هزار شهید و بیش از ۱۰هزار زخمی و کشف هزارها تُن مواد مخدر، سرکوب، دستگیری و مجازات مصرف‌کنندگان، بیشترین بخش فعالیت‌ها را تشکیل داده است. بااین‌همه، به‌موازات این حجم عظیم کار امنیتی، حوزه‌های درمان و پیشگیری و به‌خصوص استفاده از مشارکت مردم، چندان محل توجه قرار نگرفته است؛ طوری‌که می‌توان گفت مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد، چندان موفق نبوده است (تاریخچهٔ مبارزه با اعتیاد در ایران، ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۹). باتوجه‌به حادبودن مسئلهٔ اجتماعی اعتیاد و هزینه‌های هنگفت آن و کافی‌نبودن اقدامات دولت و کمبود منابع آن، برای جبران این بی‌توازنی، اقدامی نسبتاً جدید در حوزهٔ مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد، استفاده از فعالیت‌های متشکل مردمی در حوزهٔ درمان و پیشگیری است که در دستور کار قرار گرفته است. سازمان‌های مردم‌نهاد در طول قرن‌ها و به اشکال مختلف در سراسر دنیا وجود داشته‌اند که اوج شکوفایی و ظهور

۱. ستاد مبارزه با مواد مخدر، از این پس در این مقاله «ستاد» نامیده خواهد شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

آن‌ها از دهۀ ۱۹۸۰ میلادی بوده است (لوئیس[1]، ۲۰۰۹). در ایران نیز حدود یک‌دهه است که شاهد حضور نیروهای داوطلب، سمن‌ها یا NGO[2]ها و سازمان‌های اجتماع‌محور یا CBO[3]هایی در ایران هستیم که فعالانه وارد مبارزه با معضل اعتیاد و پیشگیری و درمان آن شده‌اند. این سمن‌ها در حوزۀ درمان فعال هستند و کمتر در حوزۀ پیشگیری فعال‌اند. تعداد سمن‌های ثبت‌شده در کل کشور در حوزۀ مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر، نزدیک به ۱۱۵۰ واحد است (خبرگزاری پانا، ۸ آذر ۱۳۸۹) که لزوماً تمام آن‌ها فعال نیستند.

دربارۀ معضل اعتیاد، تحقیقات و اقدامات گوناگونی انجام شده است و می‌شود. این مطالعه بر حوزۀ محدودی از این بحث وسیع و آن‌هم دربارۀ سمن‌های در حال مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر متمرکز شده است. حدود ده سال از عملکرد سمن‌ها می‌گذرد و تاکنون تحلیلی از نحوۀ عملکرد آن‌ها صورت نگرفته است. این تحقیق بر سمن‌های فعال تأکید دارد. در این تحقیق، سمن‌ها به‌مثابه عامل درنظر گرفته شده‌اند و به مسائلی نظیر فقر، وضعیت سیاسی و اقتصادی، فرهنگ و ارزش‌ها، مدیریت و قوانین سازمانی، نهادهای سیاست‌گذار و رسانه‌های دولتی، به‌مثابه ساختار توجه شده است. به‌طور مشخص‌تر، این مطالعه علاقه‌مند است که بداند در حوزۀ مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر، ماهیت عاملیت و ساختار در فعالیت سمن‌ها چگونه است؛ این سازمان‌ها یاری‌رسانند هستند یا مانع و آیا ساختارها به آن‌ها یاری می‌رسانند یا خیر و چگونه می‌توان کارآیی و تأثیرگذاری مثبت سمن‌ها را در حوزۀ مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر افزایش داد؟

مرور نظری: ازآنجاکه این مطالعه قصد دارد سمن‌ها را از زاویۀ عاملیت ـ ساختار مطالعه کند، مروری بر منظومۀ مفهومی جامعه‌شناسان متأخری که نگاه تلفیقی به عاملیت و ساختار داشته‌اند، ضروریست. ساختار به مفهومی که جامعه‌شناسان بحث کرده‌اند، پدیده‌ای واقعی است که در ذهن افراد یا جامعه و جهان طبیعی وجود دارد؛ البته این ساختارها مثل سنگ عینی نیستند، بلکه وجودی ذهنی همراه با آثار قابل‌مشاهده دارند که رفتارهای

1. Lewis 2. Non Govermental Organization 3. Community-Based Organization

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

خاصی را به کنشگران القا می‌کنند. طبق آنچه دیوید والش بیان می‌کند، «ساختار، یکی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است. از این مفهوم معمولاً برای اشاره به الگوهای تکرارشوندهٔ رفتار اجتماعی استفاده می‌شود. ازآنجاکه این رفتارها فراگیر، مستمر و قاعده‌مند هستند، بر سایر انسان‌ها تأثیر می‌گذارند و آنان را مقید و محدود می‌سازند. ما معمولاً رفتارمان را با فشارهایی هماهنگ می‌کنیم که ازسوی ساختار اجتماعی بر ما وارد می‌شود.» (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷). او همچنین دربارهٔ عاملیت می‌گوید: «از این مفهوم برای بیان میزان ارادهٔ آزاد افراد در کنش‌های اجتماعی‌شان استفاده می‌شود. میزان عاملیت و ارادهٔ ما به میزان فشارهایی بستگی دارد که ساختارها به ما وارد می‌سازند.» (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷). معمولاً در جامعه‌شناسی متعارف، تمایل به نگاه‌کردن به موضوعات و مسائل اجتماعی یا از نگاه عاملیت بوده است یا از نگاه ساختاری. علاقه به پیوند ساختار و عاملیت، اگرچه در تاریخ رشتهٔ جامعه‌شناسی ریشه دارد، بیشتر ناشی‌از توجهات جدید و متأخر در جامعه‌شناسی است. ازاین‌رو، باتوجه‌به این منابع (بشیریه، ۱۳۷۵؛ جلایی‌پور، ۱۳۸۸؛ ثلاثی، ۱۳۸۵؛ جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷؛ مخبر، ۱۳۸۶؛ معصوم‌بیگی، ۱۳۸۳؛ جوافشانی و چاوشیان، ۱۳۸۵) در قاب زیر سعی کردیم منظومهٔ مفهومی گیدنز و بوردیو و هابرماس را پیرامون تلفیق عاملیت و ساختار خلاصه کنیم؛ هرچند تفاوت میان آن‌ها به تفاوت در تعریف عامل و ساختار و ریشه‌های نظری آن‌ها برمی‌گردد.

جدول ۱. منظومهٔ مفهومی دربارهٔ عاملیت ـ ساختار.

	گیدنز	بوردیو	هابرماس
تعریف عامل	عامل صاحب قدرت است. عامل صاحب جریانی مداوم از کنش است.	کنش، عملکرد یا موضع‌گیری (عاملیت) است.	عاملان دسته‌جمعی و افکار عمومی.
تعریف ساختار	مجموعهٔ قواعد و منابع.	موقعیت یا جایگاه در ساختار قرار گرفته است.	به شکل تقریبی، می‌توان از مفهوم نظام یا سیستم استفاده کرد که هابرماس آن را در مقابل زیست‌جهان یا جهان حیاتی مطرح می‌کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

	گیدنز	بوردیو	هابرماس
آگاهی و ناخودآگاهی عاملان	تأکید بر ناخودآگاه با مفاهیمی همچون انگیزه و آگاهی عملی و بازتابندگی.	منش (یا خلق‌وخو، عادت‌واره، ذائقه، ریختار) پایهٔ کنش است و لزوماً آگاهانه نیست.	تأثیر بر ساختار را آگاهانه و در طی فرایند کنش ارتباطی در نظر می‌گیرد.
مفاهیم کلیدی و نحوهٔ تأثیرگذاری عامل بر ساختار	ازطریق جنبش‌های اجتماعی و با اعمال تغییر در قانون و عرف و سیاست‌ها. افراد با انگیزه‌های ناخودآگاه خویش، در چارچوب آگاهی عملی‌ای که روزبه‌روز با تأثیر از بازتابندگی متفاوت می‌شود، پیامدهایی را تولید می‌کنند که ناخواسته است و به‌این‌ترتیب بر ساختارها تأثیر می‌گذارند.	ازطریق دردسترس داشتن سرمایه، هرچه سرمایهٔ بیشتری ازلحاظ حجم و ترکیب در اختیار داشته باشیم، در میدان مدنظر، تأثیرات بیشتری خواهیم داشت. با ابداع منش و ادغام آنچه می‌توانیم به‌صورت معقول انتظار داشته باشیم، در منش‌مان و مقاومت دربرابر جامعه، توانایی تأثیرگذاری بر ساختار را داریم.	ازطریق تأثیرگذاری بر سیستم، به‌وسیلهٔ مشارکت و مداخلهٔ شهروندان و فشار افکار عمومی، ازطریق حوزهٔ عمومی و بیان مطالبات و اذعان به تأثیرگذاری جنبش‌ها، به‌ویژه در رفع موانع در داخل حوزهٔ عمومی.
مفاهیم کلیدی تأثیر ساختار بر عامل (قدرت ساختار)	دوگانگی ساختار.	دوگانگی ساختار.	گسترش بی‌رویهٔ سرمایه‌داری شرکتی، اقتصاد بازار، دولت دیوان‌سالار و فرهنگ مصرف توده‌ای.
مفهوم واسطهٔ بین ساختار و کنش	مدالیته (مثل ساختار ماهیت دوگانه دارد.)	منش (وجهی دوگانه دارد.)	حوزهٔ عمومی.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

	گیدنز	بوردیو	هابرماس
مفاهیم مکمل	هرمنوتیک مضاعف. امنیت هستی‌شناسانه. مکان‌یابی و روندیابی تعاملات.	شناخت غلط و فهم ناقص که جزئی از مهارت عملی هستند. نابرابری. میدان‌ها (عرصه یا زمینه)، موقعیت‌ها، کنش‌ها و منش‌های مرتبط با خود را شکل می‌دهند. ساختارگرایی بر ساخت‌گرایانه. ساختمان ذهنی و جهان اجتماعی.	قانون. هویت گوینده. کنش ارتباطی. وضعیت آرمانی گفتار.
انتقادات	تأکید بیش از حد بر عامل. نداشتن توجه کافی به گروه‌ها و بخش‌های گوناگون جامعه، باتوجه‌به تفاوت در جایگاه‌شان. درنظر نگرفتن تفاوت‌های فرهنگی و دینی و... بین جوامع گوناگون. ابهام و دور باطل. توجه ناکافی به تفکیک عامل فردی و جمعی. توجه ناکافی به تبیین جبر حاکم بر تغییر ساختارها. توجه ناکافی به وجود ارتباط منطقی میان بحث قدرت عاملان و پیامدهای ناخواستهٔ کنش. قابلیت اندک در جنبهٔ کاربردی و پژوهشی عملی. پیامدهای ناخواستهٔ کنش، بسیاری از مسائل موجود را تحلیل نمی‌کند. قابلیت اندک استفاده از این نظریه، برای گروه‌ها و طبقه‌بندی‌های گوناگون جامعه.	توجه بیش از حد به ساختار. توجه ناکافی به تفاوت‌ها میان جوامع گوناگون. قابلیت اندک استفاده از این نظریه برای گروه‌ها و طبقه‌بندی‌های گوناگون جامعه.	توجه ناکافی به مسئلهٔ تفاوت میان عموم مردم که گاهی صاحب منافع متضاد هستند. وضعیت آرمانی گفتار و اخلاق ارتباطی او را خیلی انتزاعی دانسته‌اند. توجه ناکافی به نابرابری‌های بین کنشگران و همچنین، تأکید خاص او بر نوع ویژه‌ای از گفتار، باعث محدودشدن حوزهٔ عمومی شده است. توجه ناکافی به تفاوت‌ها میان جوامع گوناگون. قابلیت اندک استفاده از این نظریه، برای گروه‌ها و طبقه‌بندی‌های گوناگون جامعه.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

با مرور نظری صورت‌گرفته، این مطالعه براساس استنباط محقق، چهار مفهوم تأثیرگذاری، تغییر، آگاهی و قدرت را از مهم‌ترین کلیدواژه‌های مفهوم عاملیت ـ ساختار مفروض دانسته است. بدین‌ترتیب، این مفاهیم در نوع نگاه ما به موضوع مقابله با اعتیاد به‌کار رفته است. البته در این ارتباط، مفاهیم دیگری نیز ناگزیر وارد بحث می‌شوند؛ برای مثال، زمان، پیامد ناخواسته، سرمایه، میدان، نیت، امکانات، موانع، روندیابی و مکان‌یابی، عرصهٔ عمومی، قانون و مفاهیم دیگر که در نظرات نظریه‌پردازان این حوزه به‌کار رفته‌اند. می‌توان مفاهیم اساسی مطرح‌شده توسط این سه نظریه‌پرداز را که در سؤالات مصاحبه باتوجه‌به سؤالات تحقیق، محل توجه قرار گرفته‌اند، به شرح جدول زیر خلاصه کرد:

جدول ۲. مفاهیم اساسی استفاده‌شده در مصاحبه.

گیدنز	بوردیو	هابرماس
عاملیت	موضع‌گیری‌ها	هویت گوینده
ساختار	موقعیت	حوزهٔ عمومی
دوگانگی ساختار (امکانات و موانع)	میدان	کنش ارتباطی
انگیزه و ناخودآگاه	سرمایه	
پیامد ناخواستهٔ کنش		
روندیابی و مکان‌یابی		
ساخت‌یابی		

نحوهٔ به‌کارگیری این مفاهیم در جریان سؤالات مصاحبه بدین‌ترتیب بوده است: (سؤالات زیر برای پرسش از سمن‌ها بوده و سؤالات مربوط‌به مسئولان دولتی با اندکی تفاوت در جمله‌بندی، پرسیده شده است.)

۱. خلاصه‌ای از فعالیت‌های خود را شرح دهید. (هدف: توصیفی اولیه که نشان از حوزهٔ فعالیت دارد. به‌این‌ترتیب، می‌توان به حوزه‌های فعال سمن‌های این زمینه در ایران و همچنین، به آگاهانه یا ناآگاهانه‌بودن تأثیرات و زمان نتیجه‌دادن عاملیت پی برد.)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

۲. طریقهٔ شکل‌گیری و موانع و امکاناتی که در جریان شکل‌گیری سمن‌ها وجود داشته است، چگونه است؟ (هدف: به‌این‌ترتیب، می‌توان به موانع ساختاری و امکانات ساختاری در بدو تأسیس این نهادها پی برد و همچنین، می‌توان ارتباط زمان و عاملیت و روندیابی و مکان‌یابی مدنظر گیدنز را هم درک کرد.)

۳. در حوزهٔ مقابله با اعتیاد و مواد مخدر (پیشگیری و درمان) چه تأثیراتی داشته‌اید؟ (چه منفی و چه مثبت)؛ (هدف: این سؤال ما را با عاملیت این نهادها در این عرصه و میزان قدرت و تأثیرگذاری‌شان آشنا می‌کند. همچنین تأثیرات منفی، ما را به آگاهی از پیامدهای ناخواسته رهنمون می‌کند.)

۴. چه مدت‌زمانی طول کشیده است تا بتوانید شاهد این آثار باشید؟ (هدف: ارتباط زمان و عاملیت و روندیابی و مکان‌یابی مدنظر گیدنز.)

۵. چه امکاناتی در اختیار داشتید؟ (هدف: بررسی امکانات ساختاری در زمان فعالیت‌های جاری.)

۶. با چه محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده‌اید؟ یا هستید؟ رفع مشکل به کجا برمی‌گردد؟ (هدف: بررسی موانع ساختاری در زمان فعالیت‌های جاری و کیفیت آن‌ها.)

۷. آیا بر فرایند قانون‌گذاری و اصلاح قوانین تأثیرگذار بوده‌اید؟ یا می‌توانید باشید؟ (هدف: بررسی عاملیت این نهادها و همچنین، تأثیر آن‌ها به‌منزلهٔ عرصهٔ عمومی است.)

۸. آیا سمن‌های خاصی، بیشتر در حوزهٔ قانون‌گذاری تأثیرگذار بوده‌اند؟ به چه دلیل این‌ها بیشتر مؤثر بوده‌اند؟ (هدف: بحث هویت گویندهٔ هابرماس و تفاوت سرمایه‌های این نهادها.)

۹. آیا می‌توانید در مقام رابط و واسطی میان شهروندان درگیر و نهادهای دولتی و قانون‌گذار عمل کنید؟ آیا دراین‌زمینه تجربه‌ای داشته‌اید؟ (هدف: بررسی قدرت این نهادها، به‌منزلهٔ عاملی در عرصهٔ عمومی.)

۱۰. آیا نهادهای مشابه نهاد شما، ازلحاظ میزان تأثیرگذاری در رفع مشکلات مربوط‌به مبارزه با مواد مخدر، باهم تفاوت دارند؟ (هدف: بررسی میزان قدرت این نهادها در میدان مربوطشان و میزان سرمایه‌های در اختیارشان که به تأثیرگذاری‌های گوناگون در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ابعاد متفاوت، مانند عرصهٔ عمومی، تأثیر بر قانون‌گذاری و تأثیر مستقیم بر مبارزه با مواد مخدر منجر می‌شود.)

۱۱. تفاوت‌های سمنِ شما با نهادهای دیگر مشابهتان در چیست؟ (هدف: تفاوت سرمایه‌ها و منابع قدرت و تأثیرگذاری.)

۱۲. توصیه‌ها و انتقادات شما برای بهترشدن فعالیت سمن‌ها چیست؟ (هدف: پی‌بردن به موانع و همچنین ارائهٔ نگاهی کلی از عملکرد این نهادها.)

باتوجه‌به تعاریفی که مطرح شد، اگر جامعه را به شکل هرمی درنظر بگیرم که از سه بخش تشکیل شده است، بخش بالا عبارت است از دولت و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی، بخش میانی عبارت است از گروه‌ها و شخصیت‌های مستقل از دولت که می‌توانند حوزهٔ عمل نهادهای مستقل از دولت یا همان سمن‌ها باشند و بخش پایینی که آحاد مردم جامعه را شامل می‌شود (جلایی‌پور، ۱۳۸۷). نظریهٔ هابرماس اهمیت خود را در بخش پایین و میانی جامعه بیشتر نمایان می‌کند. این دو بخش می‌توانند ازطریق حوزهٔ عمومی مؤثر بر ساختارها و نظام مدنظر هابرماس، تأثیراتی داشته باشند. همچنین، فعال‌شدن نهادهای مدنی در بخش میانی جامعه، ممکن است به فعال‌شدن حوزهٔ عمومی منجر شود؛ به شکلی که باعث انتقال افکار عمومی به نهادهای قانون‌گذار شود. در بخش بالایی و میانی جامعه، می‌توان مدل بوردیو را مدنظر داشت؛ به‌این‌ترتیب که در بخش بالا، بخش سیاست‌گذاری را (به‌ویژه در این تحقیق در حوزهٔ مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر) به‌مثابه میدانی در نظر گرفت که افراد به‌دلیل موقعیت‌هایی که در آن اشغال دارند و درنتیجهٔ سرمایه‌ها و منابع قدرت خاص و متفاوتی که در اختیار دارند، ممکن است تأثیرات متفاوتی در سیاست‌گذاری‌ها اعمال کنند. درارتباط‌با بخش میانی نیز، می‌توان به‌این‌ترتیب استدلال کرد که نهادهای میانی‌ای که به سرمایه‌های بیشتری دسترسی دارند، قادر به تأثیرگذاری بیشتری خواهند بود؛ اما درارتباط‌با نظریهٔ گیدنز لازم به یادآوری است، باوجود اینکه عملاً موضوع بررسی ما مقابله با مسئلهٔ اعتیاد ازطرف سمن‌هاست که ماهیتاً پدیده‌ای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

آگاهانه است، اما موضوع مطرح‌شدهٔ گیدنز، یعنی پیامدهای ناخواستهٔ کنش، حائز اهمیت است و در تمامی بخش‌های جامعه درخور توجه است. باتوجه‌به تأکید این مطالعه بر ارائهٔ راهکار، راهکارها با این هدف ارائه می‌شوند: افزایش عاملیت مثبت، تقلیل اثرات منفی ساختارها و کاهش پیامدهای ناخواسته. باتوجه‌به اینکه سمن‌ها به‌مثابه عامل در نظر گرفته شده‌اند و باتوجه‌به مرور نظری امکانات و موانع ساختاری پیش روی سمن‌ها، در این تحقیق، تأثیرگذاریشان، پیامدهای ناخواسته‌شان، امکان اعمال تغییراتشان ازطریق قانون، امکان تقویت عرصهٔ عمومی، واسطبودن بین شهروندان درگیر و نهادهای بالا، محل توجه قرار گرفته است.

روش

سؤالات این تحقیق قصد دارد با مفاهیم عاملیت ـ ساختار، عمل سمن‌ها را در حوزهٔ مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر توضیح دهد که به‌گونه‌ای بحث‌های کیفی، مانند درک روابط اجتماعی خاص و درک فرایندهای قدرت و نابرابری میان بخش‌های بالا و میانی یا در خود بخش میانی را در حوزه‌ای مشخص شامل می‌شود. به‌همین دلیل، این تحقیق با روش کیفی انجام شده است. باتوجه‌به تقسیم‌بندی چهارگانهٔ مایکل بوروووی از جامعه‌شناسی (آکادمیک، سیاست‌گذار (کاربردی)، انتقادی و مردم‌مدار) (جلایی‌پور، ۱۳۸۹) تحقیق حاضر را نمی‌توان از نوع سیاست‌گذار درنظر گرفت؛ زیرا این پژوهش، سفارش کار هیچ سازمانی نیست. اما تا حدودی مردم‌مدار است؛ زیرا نتایج تحقیق با مخاطبان آن مطرح شده و این کار با کتابچه‌هایی انجام شده است. این تحقیق بااینکه سفارشی نیست، درصدد پاسخ به نیاز جامعه است؛ پس نمی‌توان آن را آکادمیک محض درنظر گرفت. ازطرفی می‌توان برخی جنبه‌های انتقادی را نیز در آن دید؛ برای مثال، توجه به تأثیرگذاری روابط سلطه بر حوزهٔ مبارزه با مواد مخدر و نابرابری‌های موجود میان نهادهای گوناگون و همچنین، وجود نگاه دگردوستانه به‌دلیل ارائهٔ راهکار در این تحقیق که خواهان ایجاد تأثیرات مثبت در عرصهٔ مبارزه با مواد مخدر است، این تحقیق را به تحقیقات انتقادی نزدیک می‌کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

همچنین، از میان راهبردها (استراتژی‌ها) یا منطق‌های تحقیق، مانند استقرایی، قیاسی، استفهامی و پس‌کاوی (چاوشیان، ۱۳۸۴)، در این تحقیق، راهبرد استقرایی مدنظر قرار گرفته است. استراتژی تحقیق حاضر قیاسی نیست؛ به این معنا که این تحقیق درصدد آزمون نظریه برای حذف نظریهٔ غلط و پذیرش موقت نظریهٔ ابطال‌نشده نیست. همچنین، به‌دنبال توصیف و فهم زندگی اجتماعی براساس انگیزش‌ها و تعابیر کنشگران اجتماعی و درنتیجه، به‌دنبال توصیف راهبرد استفهامی مدنظر نبوده است. استراتژی پس‌کاوی نیز در این تحقیق کاربردی ندارد؛ به این دلیل که این پژوهش به‌دنبال مشاهدهٔ سازوکارهای زیربنایی ایجادکنندهٔ نظم موجود در پدیده‌ای اجتماعی نبوده و مدلی فرضی هم پیشنهاد نشده است. به‌این‌ترتیب، راهبردی که در پاسخ به سؤالات این تحقیق کارایی لازم را داشته، راهبرد استقرایی است. طبق این راهبرد، ابتدا واقعیت‌ها ازطریق مصاحبه و مطالعهٔ اسنادی، بدون گزینش یا حدس و گمانی دربارهٔ اهمیت نسبی آن‌ها، جمع‌آوری شده‌اند. مرور پیشینهٔ نظری دارای این اهمیت بوده است که چه واقعیت‌هایی برای پاسخ به سؤالات تحقیق اهمیت دارند و باید مشاهده و جمع‌آوری شوند. در مرحلهٔ بعد، این واقعیت‌ها بدون استفاده از نظریه یا فرضیه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند و به‌این‌ترتیب، تعمیم‌های محدودی دربارهٔ روابط این واقعیت‌ها و مشاهدات حاصل شده است. این مصاحبه‌ها با مسئولان ستاد و مسئولان سمن‌های شهر تهران انجام شده است. در هر سمن با افرادی مصاحبه شده است که باتوجه‌به سؤالات مصاحبه، باتجربه‌تر و مطلع‌تر بوده و زمان کافی برای مصاحبه در اختیار داشته‌اند. پس از انجام مصاحبه با تعدادی از آن‌ها، به‌دلیل تکراری‌شدن پاسخ‌ها و نبود اطلاعات جدید، فرایند مصاحبه متوقف شد. کل مصاحبه‌های صورت‌گرفته هیجده تاست که سهم ستاد و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌ترتیب، سه و پانزده مصاحبه است. همچنین، سؤالات در جریان مصاحبه، بازنگری و اصلاح شدند. نحوهٔ استخراج و کدگذاری نتایج مصاحبه براساس سرتیترها که حاصل مدل مفهومی بوده، انجام شده است؛ به‌ویژه در آنجایی‌که به مطالعهٔ اسنادی نیاز بوده است. این سرتیترها به‌شرح زیر است: عاملیت این

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

سازمان‌ها (هم مثبت و هم منفی)، تأثیرات ساختاری بر آن‌ها (چه قدرت‌بخش، چه محدودکننده)، روندیابی و مکان‌یابی آن‌ها (نحوهٔ جا افتادن)، دسترسی‌شان به عرصهٔ عمومی و داشتن نقش واسط بین شهروندان و قسمت بالایی جامعه، قدرت و سرمایه‌ای که این نهادها در اختیار دارند، توصیه‌هایی برای افزایش عاملیت مثبت و تقلیل پیامدهای ناخواسته.

یافته‌ها

۱. درست است که لزوماً تمام کارکنان سمن‌ها نباید داوطلب باشند، اما متأسفانه در اغلب سمن‌ها نیروهای داوطلب کم بودند. نکتهٔ دیگر این است که بودجهٔ سمن‌ها به این مسائل متکی است: حق عضویت، دریافت مبالغی از نهادهای بین‌المللی یا دولت ملی، فروش کالا، ارائهٔ خدمات و کمک مردم و خیران. برخی سمن‌ها هزینه‌های درمان و بودجهٔ سمن را از خود افراد آسیب‌دیده کسب می‌کنند. به‌این‌ترتیب، یکی از یافته‌های این تحقیق این است که برخی سازمان‌ها تنها در اسم و به‌طور صوری سمن هستند و با معنای واقعی آن فاصله دارند و حتی نمونه‌هایی از سودجویی هم مشاهده شده است که هزینه‌هایی برای درمان مصرف‌کنندگان دریافت می‌شد یا به حوزهٔ پیشگیری به‌دلیل سودده‌نبودن کمتر توجه شده بود.

۲. در بررسی فعالیت‌ها و اثربخشی اقدامات سمن‌ها، باید به مقایسه‌ای میان آن‌ها و دیگر نهادهای متولی نیز اشاره کرد؛ در حوزهٔ درمان اعتیاد، تفاوتی که میان کلینیک‌ها و سمن‌ها وجود دارد، این است که گاهی در برخی مسائل، منافات و اختلافاتی میان آن‌ها در نگاهشان به بازپروری و درمان و علمی‌بودن روش هست؛ اما گاهی تکمیل‌کنندهٔ فعالیت‌های یکدیگر هستند. برای مثال، برخی مصرف‌کنندگان در کنار استفاده از داروهایی که کلینیک‌ها برای آن‌ها تجویز کرده‌اند، از کلاس‌های مربوط‌به روان‌شناسی و مشاورهٔ برخی سمن‌ها مساعدت می‌جویند. مهم‌ترین تفاوت میان این دو نهاد این است

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

که هریک مخاطبان خاص خود را دارند. سمن‌ها بیشتر مصرف‌کنندگان داوطلب را برای ترک تحت پوشش قرار می‌دهند و کلینیک‌ها مصرف‌کنندگان با الگوهای مصرف پرخطرتر را. در حوزهٔ پیشگیری، هم ستاد و هم سمن‌ها فعالیت می‌کنند. البته فعالیت سمن‌ها در حوزهٔ پیشگیری محدود است. درارتباط‌با کاهش اثرات اعتیاد و انجام حمایت‌های اجتماعی، نقش سمن‌ها مؤثر است.

۳. مسائلی که در ادامه می‌آید، ازجمله منابع و سرمایه و قدرتی هستند که سمن‌های فعال در حوزهٔ مبارزه با مواد مخدر در اختیار دارند: تجربیات، انگیزه، برنامه‌های بومی و محلی، گاهی وجود نیروهای داوطلب، حمایت‌های معنوی دولت، نگاه مثبت حاکمیت و قانون‌گذاران؛ برای مثال، در اصلاح قوانین شورای مصلحت نظام در حوزهٔ درمان، سمن‌ها به‌عنوان مرجع رسمی ترک اعتیاد معرفی شده‌اند.

۴. می‌توان از موانع فعالیت سمن‌ها، گونه‌ای دسته‌بندی به این شکل ارائه کرد: ۱. موانع مربوط‌به کمبود بودجه و امکانات؛ ۲. مشکلات و سخت‌گیری‌های مربوط‌به سیستم اداری، برای مثال، برخورد غیرکارشناسانه و سلیقه‌ای مانند شهرداری مناطق مختلف که برخوردارهای گوناگونی دارند؛ ۳. هم‌تخریبی سمن‌ها توسط خودشان که گاهی برای کسب بودجه اتفاق می‌افتد و وجودنداشتن امکان تعامل مناسب میان آن‌ها؛ ۴. نگاه‌نکردن به شکل مساوی به سمن‌ها توسط دولت، به این معنی که از سمن‌هایی که بیشتر شناخته شده‌اند، گاهی حمایت بیشتری صورت می‌گیرد و به سمن‌های جدید و کوچک کم‌توجهی می‌شود؛ ۵. کارآیی و توانمندی برخی سمن‌ها و نیازمندبودن به آموزش که گاهی به نگاه دولت به اقدامات سمن‌ها لطمه می‌زند؛ ۶. مشکلات مربوط‌به نگاه و باورهای مردم، به‌ویژه در عرصهٔ پیشگیری؛ ۷. موانع اجتماعی‌اقتصادی کلان، مانند وجود مناطق آلوده یا نداشتن برخورد مناسب با توزیع مواد مخدر که اثربخشی فعالیت سمن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند؛ ۸. رقیب‌دانستن سمن‌ها توسط دولت؛ ۹. سرکشی‌نکردن مقامات مسئول دولتی به سمن‌ها برای دانستن مشکلات‌شان و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

درواقع، نداشتن هماهنگی و همکاری مناسب میان دولت و سمن‌ها؛ ۱۰. تعویض مدیران و به‌تبع آن ناقص‌ماندن برنامه‌های قبلی، برای مثال اتاق فکری که در چند سال گذشته فعال بوده، به‌دلیل تغییر مدیریت منحل شده است؛ ۱۱. تزاحم دیدگاه‌ها و نگرش‌ها به‌ویژه در حوزهٔ درمان، میان دستگاه‌های دولتی، سمن‌ها و هردو، برای مثال دربارهٔ مثبت یا منفی‌بودن متادون‌درمانی توافقی وجود ندارد؛ ۱۲. ماهیت پیچیدهٔ مواد مخدر که انجام اقدامات مبارزه را به‌دلیل تحریک‌برانگیزی، راهی برای فرار از مشکلات و... با مشکل روبه‌رو می‌کند؛ ۱۳. نبود قوانین و سیاست‌های منظم برای مشخص‌شدن وظایف دستگاه‌ها، برای مثال به‌جای قوانین دائم، دستورالعمل‌های موقت وجود دارد؛ ۱۴. نبود دروس دانشگاهی به شکل اصولی و کاربردی؛ ۱۵. نگرش‌های منفی به اعتیاد که انجام اقدامات داوطلبانه و مشارکت مردم را با مشکل مواجه می‌کند.

۵. درارتباط‌با عرصهٔ عمومی، برگزاری همایش‌ها گامی مؤثر بوده است (اولین همایش در تیر ۱۳۸۲ برگزار شده است)؛ ولی بر نحوه و شکل برگزاری آن ایراداتی وارد شده است و توصیه‌هایی می‌شود؛ برای مثال، تشکیل جلسات اتاق فکر میان سمن‌ها و ستاد به‌صورت منظم و برای رفع مشکلات. همچنین، نظر سمن‌ها برای برگزاری بهتر جلسات این است که ستاد بیشتر بر نشست‌ها نظارت داشته باشد، نه دخالت و وقت بیشتری در همایش‌ها و جلسات به سمن‌ها اختصاص داده شود. همچنین، آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر دخیل کنند.

۶. توصیه‌هایی که توسط ستاد و سمن‌های فعال برای بهبود فعالیت سمن‌ها ارائه شده، به‌شرح زیر است: ۱. افزایش و تسهیل ارائهٔ مجوزهای قانونی توسط دولت، به‌منظور جلوگیری از رشد نهادهای غیرقانونی؛ ۲. تلاش برای اجتماعی‌شدن و مردمی‌شدن مسئلهٔ مبارزه با مواد مخدر، ازطریق گسترش سرمایهٔ اجتماعی؛ ۳. تلاش سمن‌ها در پاسخ به نیازهای بومی و محلی و جلوگیری از رشد بوروکراسی، برخی سمن‌ها بوروکراسی‌های بزرگ داشتند و برخی نیز با حداقل نیرو فعالیت می‌کردند؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

۴. جلوگیری از برخورد سلیقه‌ای ادارات و به‌این‌منظور، ایجاد قانون جامع و استانداردهای مشخص برای دستگاه‌های دولتی؛ ۵. لزوم آموزش مدیران و کارشناسان بخش اداری، هم ازلحاظ اصلاح باورشان و هم نحوهٔ نگاه مناسب و کارشناسانه به سمن‌ها؛ درواقع، هرچه در هرم اداری از مسئولان رده‌بالا به‌سمت پایین می‌آییم، برخوردها با سمن‌ها فردی و سلیقه‌ای‌تر می‌شود؛ ۶. ایجاد فرصت برای رشد گروه‌های کوچک و غیرمعروف؛ ۷. آموزش سمن‌ها برای توانمندسازی و دانستن حقوق و وظایفشان؛ ۸. تشکیل جلسات اتاق فکر با هدف ایجاد تعامل هم میان سمن‌ها و هم میان دولت و سمن‌ها؛ ۹. جمع‌بندی نگاه‌های متزاحم در حوزهٔ درمان؛ ۱۰. آینده‌پژوهی و پیش‌بینی نیازهای آینده، به‌منظور جلوگیری از رشد مراکز غیرقانونی؛ وقتی مرکزی مجوز قانونی ندارد، عملاً نظارتی هم بر آن صورت نمی‌گیرد؛ ۱۱. بومی و محلی‌کردن فعالیت سمن‌ها؛ ۱۲. واردنشدن به حوزهٔ سیاسی؛ ۱۳. تأمین اعتبارشان از بدنهٔ جامعه؛ ۱۴. بازدیدکردن و سرزدن دولت به سمن‌ها؛ ۱۵. برنامه‌های کلان مانند کنترل توزیع مواد مخدر توسط دولت؛ ۱۵. افزایش تعداد سمن‌ها؛ ۱۶. تأسیس سرپناه و گرم‌خانه برای مصرف‌کنندگان؛ ۱۷. استفاده از نیروهای متخصص، هم در سمن‌ها هم پناهگاه‌ها؛ ۱۸. افزایش همکاری‌های دولتی و سنگ‌اندازی‌نکردن؛ ۱۹. حمایت‌های مالی تا حدودی توسط دولت صورت گیرد، مثل جا و برخی یارانه‌ها.

بحث

۱. می‌توان موانع اشاره‌شده در بند چهارم بخش یافته‌ها را در سه دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. برخی از این موانع، مانند شمارهٔ ۶، ۷، ۱۲ و ۱۵، مانع ساختاری گسترده و ریشه‌داری در جامعه هستند؛ ۲. موانع ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ موانعی ساختاری هستند که بیشتر به دولت مربوط می‌شوند؛ ۳. موانع ۳ و ۵ به خود سمن‌ها مربوط هستند. تمام موانع دستهٔ اول و دوم، از موانع ساختاری محسوب می‌شوند. رفع برخی موانع راحت‌تر ممکن است؛ برای مثال، موانع دستهٔ دوم و سوم دربرابر موانع دستهٔ اول، با شرط حضور عاملانی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

تأثیرگذار و دلسوز، ممکن است در زمان کمتر و با کیفیت بهتری رفع شوند. تأکید راهکارهای این تحقیق بر موانع دستهٔ دوم و سوم خواهد بود.

۲. سمن‌ها ستاد را مهم‌ترین متولی برای رفع بسیاری از موانع معرفی می‌کنند. بیشتر سمن‌ها از اقدامات ستاد رضایت داشتند و می‌خواستند در مقام ناظر در رفع موانع گوناگون، مثل هم‌تخریبی سمن‌ها، وحدت‌نداشتن در حوزهٔ درمان و ناهماهنگی بین دستگاه‌های دولتی وارد عمل شود و پل بزند؛ اما ستاد در فعالیت‌ها مستقیماً وارد نشود. همچنین، ستاد باتوجه‌به نگاه مثبتی که به فعالیت سمن‌ها دارد، می‌تواند در ایجاد همکاری مناسب میان دولت و سمن‌های فعال در حوزهٔ مواد مخدر، افزایش مشارکت مردم در فعالیت‌های داوطلبانه با معرفی سمن‌ها، انجام اقدامات فرهنگی در عرصهٔ پیشگیری اولیه و جلوگیری از ناقص‌ماندن برنامه‌ها به‌دلیل تعویض مدیران، تأثیرات بسزایی داشته باشد. همچنین، ادغام چند واحد درسی دربارهٔ اعتیاد در دروس دانشگاهی مرتبط، در همهٔ دانشگاه‌های ایران توصیه شده است.

۳. عاملیت و تأثیرگذاری سمن‌ها در حوزهٔ مبارزه با مواد مخدر و تأثیرات مثبت و سازندهٔ آن‌ها را مسئولان دولتی و سمن‌ها تأیید کردند. سرعت عمل و هزینهٔ کم و انگیزهٔ قوی از ویژگی‌های فعالیت سمن‌هاست؛ اما پیامدهای ناخواسته، مسئله‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است که می‌توان با افزایش کنترل و نظم و ترتیب بیشتر در برنامه‌ها، آن را تقلیل داد. از تأسیس یک سمن تا جاافتادن آن زمانی لازم است تا میان مردم اعتمادسازی شود.

۴. در ادامه به برخی تجارب جهانی و نظرات این تحقیق، برای رفع برخی موانع و افزایش عاملیت این سازمان‌ها در هشت سرتیتر اشاره می‌شود: (بررسی مجموعه‌ای از موانع کلان، مثل مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه، کنترل توزیع مواد مخدر، نگرش منفی مردم به اعتیاد و... به‌دلیل وسعت و عمقشان مدنظر نبوده و تأکید اصلی بر مشکلاتی است که رفع آن‌ها توسط سمن‌ها و ستاد امکان‌پذیر بوده است.)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

الف. مشکلات مالی و کمبود بودجه: درواقع، مشارکت مردم برای رفع مشکلات پیش روی سمن‌ها، مهم‌ترین گام برای موفقیت آن‌هاست؛ اتکا به کمک خیران و حامیان مالی، ازطریق شناسایی آنان و گرفتن حمایت از آن‌ها برای رفع مشکلات مالی اهمیت دارد. در سراسر دنیا، ازجمله افراد و گروه‌هایی که می‌توانند حامیان مالی سمن‌ها باشند، عبارت‌اند از: سازمان‌های حمایتی بین‌المللی و فراملی؛ خود دولت یا صاحب قدرت‌های محلی؛ شرکت‌های بزرگ تجاری و صنعتی؛ سازمان‌های مدنی؛ اتحادیه‌ها و مراکز و نهادهای مذهبی؛ اشخاص و شهروندان. درارتباط‌با دولت یا قدرت‌های محلی در کشورهایی که در آن‌ها هنوز جامعهٔ مدنی به‌طور گسترده پذیرفته نشده است، دولت از نهادهایی که ممکن است با سیاست‌هایش اختلاف داشته باشند، حمایت مالی نمی‌کند. اکثر حمایت‌های مالی دولتی در مقیاس کم صورت می‌گیرد و رسیدن به کمک مالی دولتی به طی مراحل قانونی زیاد و کاغذبازی نیاز دارد و برخی سمن‌ها از دریافت آن منصرف می‌شوند. درارتباط‌با شرکت‌های صنعتی و تجاری و سازمان‌ها و انجمن‌ها که در بالا اشاره شد، معمولاً پروژه‌هایی را حمایت می‌کنند که با اولویت‌هایشان منطبق باشد، ازلحاظ کیفیت، استانداردهایی را رعایت کنند و گاهی خواهان حق رأی یا اِعمال تبلیغات برای خود باشند که نوعی مداخله محسوب می‌شود و نمی‌توان از آن دفاع کرد. دربارهٔ اشخاص و شهروندان کمک‌کننده می‌توان گفت که در تمام دنیا خیران فردی، منبع بسیار مهمی برای کمک محسوب می‌شوند؛ اما دراین‌زمینه به فرهنگ‌سازی نیاز است. پیداکردن گروه‌های خیر فعالیتی کلیدی است که ممکن است زمان زیادی صرف آن شود. افزایش بودجه در موقعیت‌های زیر اتفاق می‌افتد: کاهش‌نیافتن کیفیت تولیدات و خدمات ارائه‌شدهٔ آن سمن؛ نبود ناسازگاری میان کمک‌های خیران و سیاست‌های سمن؛ نبود خطری برای لطمه‌خوردن به اعتبار سمن؛ وجود تعادل میان زمان و پول و انرژی‌ای که برای کسب کمک مالی صرف می‌شود، با کمکی که به‌دست می‌آید؛ قادربودن سمن به مدیریت جذب کمک مالی و آماده‌بودن برای ایجاد شفافیت میان عموم مردم، درقبال

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع مالی‌اش. (کلاین[1]، ۲۰۰۰؛ جزارکتا[2]، ۲۰۱۱) دربارهٔ این مسائل مطرح‌شده، در این تحقیق نظر برخی سمن‌ها پرسیده شده است. به‌نظر می‌رسد نگاه بسیار مثبتی به حامی مالی، فعلاً در میان سمن‌های حوزهٔ مواد مخدر شکل نگرفته است؛ به‌خصوص گاهی به‌دلیل برخی اعتقادات و اصول خاصی که دارند و به‌دلیل دِینشان به پاکی، خودکفایی و تأمین مالی توسط خود اعضا صورت گرفته است. همچنین، تبلیغات و حضور حامی که در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کند، ازطرف سمن‌های این حوزه با اکراه نگریسته می‌شود. بیشتر سمن‌ها در ایران، این حمایت را ازطریق دولت و ارگان‌ها و به شکل کمک‌های غیرنقدی پذیرفتنی‌تر می‌دانند؛ با ارائهٔ خدمات، جا، امکانات بیمه، خدمات پزشکی و ورزشی.

ب. نبود همکاری مناسب توسط دولت: می‌توان با آموزش مدیران و کارشناسان دولتی جهت کاهش برخورد سلیقه‌ای و غیرکارشناسانه اقدام کرد؛ برخوردهایی که درخور فعالیت سمن‌ها نیست. فرهنگ‌سازی دربارهٔ سمن‌ها در دستگاه‌های دولتی، از اقداماتی است که عرصه را برای فعالیت کاراتر آن‌ها میسر خواهد کرد. این مهم، با حمایت دفتر توسعهٔ مشارکت‌های مردمی ستاد حاصل می‌شود. «تمام تخصص‌ها، مهارت‌ها، تجارب و مدیریت‌ها بدون وجود همکاری مناسب بین دولت و سمن‌ها نتیجهٔ لازم را ندارد. گفت‌وگوی مستمر و شفاف بین دولت و سمن‌ها، باعث ایجاد فهم بیشتر بین آن‌ها و تسهیل‌شدن تغییرات سیاست‌گذاری خواهد شد. ارائهٔ اطلاعات صحیح توسط دولت و دخالت‌دادن سمن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، از موارد همکاری مناسب میان دولت و سمن‌هاست. اعتقاد و باور دولت به حضور و تأثیر سمن‌ها، می‌تواند همکاری را تسهیل نماید. برای ایجاد همکاری، نیاز به ایجاد اعتماد دوطرفه است که لازمهٔ آن ایجاد شفافیت و در جریان قراردادن طرفین از فعالیت‌هایشان است. نیاز به یک مکانیسم و پروسهٔ مشخص و منظم یا دفتر و سازمانی برای همکاری پایدار وجود

1. Klein 2. Jzarecta

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

دارد. به‌خصوص در کشورهای آسیایی که منابع محدود است و موانع ساختاری در آن دیده می‌شود، استفادهٔ بهینه از منابع مالی و انسانی موجود لازم است. عدم همکاری مناسب، باعث تحلیل‌رفتن تلاش‌ها و خنثی‌شدن آن‌ها توسط گروه دیگر و اتلاف منابع می‌شود.» (بِهرا[1]، ۲۰۰۲) انجام مطالعات موردی بر روی نمونه‌های موفق همکاری بین دولت و سمن‌ها در کشورمان و استفاده از تجارب آن‌ها، می‌تواند برای تمام سمن‌ها کارا باشد. به‌طورکلی، برای رفع مشکلات پیش روی فعالیت سمن‌ها به تحقیقاتی نیاز است که از نیازها و موقعیت خاص جامعهٔ ما بیرون آمده باشد؛ همایش‌ها و کارگاه‌ها و گردهمایی‌هایی که امکان تعامل بین سمن‌ها یا بین دولت با سمن‌ها را فراهم کند و مشارکت سمن‌ها در اداره و اجرای آن بیشتر باشد، از عوامل مهم برای افزایش همکاری مناسب است. مطمئناً نقش ستاد، به‌مثابه پلی برای ایجاد ارتباط مناسب، حیاتی و انکارناپذیر است.

پ. هم‌تخریبی سمن‌ها: برای رفع این مشکل، ایجاد جلسات هماهنگ و منظم یا حتی شبکه‌های ارتباطی، بااستفاده‌از امکانات اینترنتی میان سمن‌ها مهم است. همچنین، پیوستن سمن‌های کشور به شبکهٔ سمن‌های جهانی در این حوزه، نه‌تنها می‌تواند باعث تعامل اطلاعات و تجارب شود، بلکه حوزهٔ فعالیت‌ها و تأثیرگذاری‌ها را نیز گسترش می‌دهد. البته تعداد خیلی کمی از سمن‌ها انزوا در پیش گرفته‌اند و ایجاد ارتباط با دیگران را لازم نمی‌دانند؛ اما مشخص است که همکاری و فعالیت مشترک میان سمن‌ها می‌تواند باعث افزایش تأثیرگذاری و قدرت اقدامات آن‌ها شود و از موازی‌کاری بکاهد و انتقال تجارب را تسهیل کند. برای ایجاد ارتباط مناسب میان سمن‌ها، نقش حمایتی ستاد مهم است و به توصیهٔ خود سمن‌ها، ستاد می‌تواند در کنار آن‌ها باشد و نظارت کند؛ ولی خود سمن‌ها به‌طور اساسی در برگزاری جلسات و ادارهٔ آن‌ها درگیر باشند. البته این امکان وجود دارد که خود این سازمان‌ها نیز بتوانند به‌طور

1. Behera

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مستقل، اقداماتی برای ایجاد تعامل باهم صورت دهند.

ت. ضعف مهارت و توانمندی سمن‌ها: آموزش و آگاه‌ساختن سمن‌ها از کارهایی که می‌توانند انجام دهند و همچنین، آگاهی از حقوق و وظایفشان، ممکن است آن‌ها را در افزایش توانمندی‌شان یاری کند که بخشی از این آموزش به فعالیت خود سمن‌ها و بخشی دیگر به آگاه‌سازی آن‌ها توسط دفتر توسعهٔ مشارکت‌های مردمی ستاد بستگی دارد. همچنین، برگزاری همایش‌ها و جلسات منظم میان خود سمن‌ها و متخصصان و کارشناسان گوناگون با سمن‌ها، می‌تواند مفید باشد. در این راستا، به وجود نقطهٔ اتحاد و هماهنگ‌کننده‌ای میان سمن‌ها که بتواند نماینده‌ای از آن‌ها باشد، نیاز است تا امکان برگزاری همایش و جلسات را پیگیری کند. همکاری بین دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی با سمن‌ها، برای افزایش توانمندی آن‌ها توصیه می‌شود؛ البته باید تأکید بر دانش، برخواسته از اوضاع و نیازهای کشور باشد. همچنین، دربارهٔ گسترش بوروکراسی در سمن‌ها، آن‌ها بر این نظر بودند که گستردگی فعالیت و وسعت آن، ما را ناچار می‌کند که بوروکراسی داشته باشیم؛ هرچند بیان کردند که می‌توان از گسترش بیهودهٔ آن تاحدودی جلوگیری کرد.

ث. مشکلات مربوط‌به نگاه‌های مردم و فرهنگ جامعه در حوزهٔ پیشگیری: باتوجه‌به حساسیت‌هایی که میان مردم در حوزهٔ پیشگیری، دربارهٔ معرفی انواع مواد مخدر وجود دارد و افراد آن را بدآموزی تلقی می‌کنند، راجع‌به این موضوع، می‌توان از نقاطی که برای مردم حساسیت‌برانگیز نیست، وارد شد؛ برای مثال، شاید مردم از اینکه کسی که ترک کرده است، بیاید و تجارب خود را بیان کند، استقبال نکنند. به‌دلیل اینکه این اندیشه را ایجاد می‌کند که همیشه می‌شود ترک کرد. می‌توان به جای این کار، از مدارس و آموزش‌وپرورش و رسانه‌ها به‌مثابه نهادهای بازتولید فرهنگ استفاده کرد که تأثیرات گسترده‌ای در جامعه دارند. مخصوصاً با دسترسی‌ای که ستاد می‌تواند در این حوزه‌ها داشته باشد، امکان انجام اقدامات فرهنگی و کارشناسانه برای پیشگیری وجود

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

دارد. اقدامات فرهنگی می‌تواند با ارتقای عزت‌نفس و سلامت روان و جلوگیری از رشد اندیشه‌هایی که فرد را به‌سوی اعتیاد می‌کشاند، از رشد پدیدهٔ اعتیاد در جامعه جلوگیری کند. شاید استفاده از تجارب کسانی که ترک کرده‌اند، برای مخاطبان خاص، مثل مصرف‌کنندگان، بسیار مفید باشد، اما دربارهٔ عامهٔ مردم چنین نیست.

این تحقیق بر این اعتقاد است که وجود عوامل گوناگون در کنار هم باعث اعتیاد فرد می‌شود. اگر ما بتوانیم هریک از این عوامل را تاحدی کنترل کنیم، می‌توانیم امکان ابتلا به اعتیاد را کاهش می‌دهیم. این عوامل مهم، شامل فقر و فقدان حداقل امکانات زندگی، قرارگرفتن در محیط‌های آلوده و نبود توانایی‌های فکری و ارزشی و اخلاقی است. شاید کنترل دو عامل اول در طولانی‌مدت و به‌سختی ممکن باشد، اما دربارهٔ عامل سوم با همکاری رسانه‌های فراگیر و ستاد، می‌توان در عرصهٔ پیشگیری تأثیرات شگرفی داشت. وجود برخی مسائل روحی‌روانی، مثل کم‌روبودن، نداشتن جسارت و شهامت برای گفتن نه، غرور، خودپسندی، خودکم‌بینی، تحقیر شدن، نداشتن ارتباط محترمانه و مسئولانه با انسان‌های دیگر، اعتقاد به تقدیر، تنبلی و فرار از تلاش و... ازجمله مسائلی هستند که ازطریق رسانه‌های فراگیر و با ساختن فیلم، برنامه‌های مستند و اجرای کارگاه‌ها، ارائهٔ بروشورها و کتب مفید، اجرای همایش‌ها و برنامه‌هایی که مخاطبان عام داشته باشند و با برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های مختلف فرهنگی، ورزشی، هنری و مهارت‌آموزی، به‌خصوص برای گروه‌های آسیب‌پذیر و در مناطق آلوده، می‌تواند در حوزهٔ پیشگیری اولیه مفید واقع شود. همچنین، باید از آموزش‌های غلط در رسانه‌ها جلوگیری کرد. پیشگیری با افزایش آگاهی و به شکل صحیحِ آن اتفاق می‌افتد. «افزایش خدمات اجتماعی و شغلی، ایجاد اشتغال، تقویت پایه‌های خانواده و موردحمایت‌قراردادن گروه‌ها و افراد در معرض خطر، ارتقای معنویات، امید و اعتماد اجتماعی ازطریق سیستم آموزش‌وپرورش، رسانه‌ها و آموزش‌های اجتماعی از عوامل مهم در پیشگیری محسوب می‌شوند» (UNODC[1]، ۲۰۰۷).

1. Prevention and Awareness Raising

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ج. تزاحم دیدگاه‌ها در حوزهٔ درمان: به جمع‌بندی نگاه‌های متزاحم در حوزهٔ درمان، توسط ستاد نیاز است؛ همان‌طورکه سمن‌ها مطرح کردند. یکی از مشکلات خاص دراین‌خصوص، تضاد منافع برخی مدیران دولتی است که خودشان مراکز درمانی، مثل متادون‌درمانی دارند؛ با سمن‌های فعال در عرصهٔ درمان‌های دارومحور، ارائهٔ مجوز به‌دلیل سودجویی سخت می‌شود. این مسئله به وجدان کاری و فردی افراد مربوط می‌شود؛ به‌همین دلیل، نمی‌توان راهکاری برای آن ارائه کرد. اما می‌توان با ایجاد برخی امکانات قانونی، تأثیر افراد را در روند ارائهٔ مجوز و دیگر روندهای مربوط‌به فعالیت سمن‌ها تقلیل داد. همچنین، جلسات هفتگی مجموعهٔ فرهنگی شقایق که مسائل تخصصی حوزهٔ درمان را بررسی می‌کند و توسط ستاد برگزار می‌شود، می‌تواند گامی مؤثر برای ایجاد وفاق و رفع برخی اختلاف‌نظرها باشد.

چ. غیربومی‌بودن فعالیت برخی سمن‌ها: بومی‌بودن فعالیت‌ها و سازگاربودن آن‌ها با نیازهای مردمی که به آن‌ها خدمات ارائه می‌شود، حتی باتوجه‌به محله‌ای که در آن فعالیت می‌شود، مهم است. به‌همین دلیل، باید سمن‌ها تا جای ممکن، فعالیت‌ها و برنامه‌ها و اقداماتی را که پاسخ‌گوی نیازهای مخاطبان نیست، با برنامه‌های مفیدتر و خلاقانه‌تر جایگزین کنند. روش‌های پیداکردن برنامه‌های مناسب عبارت است از: سعی و خطا، خلاقیت و طوفان فکری، استفاده از تجارب جهانی، انجام تحقیقاتی برای نیازسنجی و مصاحبه با کسانی که خدمات را دریافت می‌کنند.

ح. نیاز به رشد مشارکت و سرمایهٔ اجتماعی: از عوامل مهمی که می‌تواند به رشد سمن‌ها یاری رساند، تقویت مشارکت مردم در تمامی جنبه‌های مربوط‌به فعالیت آن‌هاست؛ چه جذب کمک‌های مالی، چه جذب نیروی داوطلبانه و چه جذب ایده‌های کارا و مؤثر. تقویت و گسترش مشارکت مردم در همکاری با سمن‌ها، فعالیت‌های کلان و گسترده‌ای را می‌طلبد و جز ازطریق اقدامات فرهنگی گسترده و با کمک نهادهای آموزش‌وپرورش، رسانه‌های عمومی و ابزار فرهنگی گوناگون که تغییر نگرش و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

معرفی اهمیت و اقدامات سمن‌ها را بررسی می‌کنند، میسر نخواهد شد و این مسئله فقط با همکاری و مساعدت ستاد شدنی است. خود سمن‌ها نیز می‌توانند با رفتن میان مردم و با انجام اقدامات فرهنگی در همایش‌های گوناگون و کارگاه‌ها و مدارس، مشارکت مردم را جلب کنند؛ اما باز هم برای همکاری ارگان‌های دولتی، به‌ویژه شهرداری‌ها در ارائهٔ غرفه به سمن‌ها بسیار اساسی است که مخاطب این غرفه‌ها بیشتر مردم عادی باشند تا مدیران و مسئولان نهادها. به این دلیل که اطلاع‌رسانی و ایجاد آگاهی برای عموم مردم، آن‌ها را به مشارکت و شناخت و برخورد بهتر با مسائل مشابه در محیط اطراف قادر می‌کند. به‌طورکلی، نگرش منفی به اعتیاد، انجام اقدامات داوطلبانه و مشارکت مردم را در این حوزه با مشکل مواجه می‌کند. در حل این مشکل، دولت می‌تواند با فرهنگ‌سازی و معرفی فعالیت‌ها و اقدامات سمن‌ها، آن‌ها را به مشارکت تشویق کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع و مآخذ

References

- بلیکی، ن. (۱۳۸۴). **طراحی پژوهش‌های اجتماعی** (ترجمهٔ حسن چاوشیان)، تهران: نی.
- جلایی‌پور، ح. و محمدی، ج. (۱۳۸۷)، **نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی**، تهران: نی.
- جلایی‌پور، ح. (۱۳۸۷)، **جزوهٔ درسی جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جلایی‌پور، ح. (۱۳۸۹)، چهار الگوی تغییر ابعاد نامطلوب جامعه: رجحان الگوی سه‌جانبهٔ تغییر، **نامهٔ علوم اجتماعی**، ۳۷ (۱۷): ۳۱تا۵۴.
- جنکینز، ر. (۱۳۸۵)، **پی‌یر بوردیو** (ترجمهٔ لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان)، تهران: نی.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۵)، **نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر** (ترجمهٔ محسن ثلاثی)، تهران: علمی.
- فیلیک، ا. (۱۳۸۷)، **درآمدی بر روش تحقیق کیفی** (ترجمهٔ هادی جلیلی)، تهران: نی.
- کالینیکوس، آ. (۱۳۸۳)، **درآمدی تاریخی بر نظریهٔ اجتماعی** (ترجمهٔ اکبر معصوم‌بیگی)، تهران: آگه.
- کرایب، ی. (۱۳۸۶)، **نظریهٔ اجتماعی مدرن: از پارسنز تا هابرماس** (ترجمهٔ عباس مخبر)، تهران: آگه.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۸)، **چشم‌اندازهای جهانی** (ترجمهٔ محمدرضا جلایی‌پور)، تهران: طرح نو.
- مکی علمداری، س. (۱۳۹۰)، **تحلیل مسئلهٔ اعتیاد با نگاه عاملیت ـ ساختار (تحلیل عملکرد نهادهای مستقل از دولت)**، استاد راهنما: حمیدرضا جلایی‌پور، پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران: دانشکدهٔ علوم اجتماعی.
- هولاب، ر. (۱۳۷۵)، یورگن هابرماس، **نقد در حوزهٔ عمومی** (ترجمهٔ حسین بشیریه)، تهران: نی.
- (آذر ۱۳۸۹)، بودجهٔ سازمان‌های مردم‌نهاد درزمینهٔ مواد مخدر ۶۵ درصد افزایش داشته است، **خبرگزاری کانون دانش‌آموزی ایران** (پانا).
- (خرداد ۱۳۸۹)، تاریخچهٔ مبارزه با اعتیاد در ایران از زبان مدیرکل فرهنگی و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع و مآخذ

References

پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر، **پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد مبارزه با مواد مخدر**.

- Behera, A. (2002), Government - NGO Collaboration for Disaster Reduction and Response: ***The India (Orissa) Experience, Regional Workshop on Networking and Collaboration among NGOs of Asian Countries in Disaster Reduction and Response***.
- Boucaut, R. (2001), Understanding workplace bulling: a practical application of giddens' stracturation Theory, university of south Australia, ***International Education Journal***, Vol 2, No 4.
- Giddens, A. (1995), ***The constitution of society- outline of the theory of structuration***, Cambridge: Oxford .
- Jzarecta (2011), ***What are the best Funding Source for a tech NGO***, Startup Nation.
- Klein, K, (2000), ***Fundraising for Social Change***, NY, Jossey Bass.
- Lewis, David- 2009-Non Governmental Organizations, Definition and History- London School of Economics and Political Science .
- (2007) ,(Prevention and Awareness Raising, UNODC ***(United Nations Office on Drugs and Crime)***.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]